

همبسته‌های هویت‌یابی فردی در دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه‌ی شهرستان اردبیل

Correlatives of individual identity in high school female students in Ardabil city

نادر حاجلو^۱، علی رضایی شریف^۲ و شهرام واحدی^۳
N. Hajloo¹, A. R. Sharif² & S. Vahedi³

Abstract: The aim of this study was to study individual identity in high school girl students of Ardabil city in which the self-esteem, religious orientation, mental health, and the influences of peers and parents on students were studied as correlatives of identity. In accordance with the nature of the topic, the current study was descriptive-correlation in method. The sample involved 357 female high school students who were selected by cluster sampling. All the data were gathered from adolescence female students, using Adams's identity questionnaire, religious orientation of Alport, self-esteem of Rosenberg, mental health of Goldberg and the researcher made questionnaire. In order to analyze the data, the multiple regression analysis, and one way ANOVA was used. The results showed that the various levels of identity can be predicted fairly from religious orientation, self-esteem, mental health, relationship with peers, and parental influence. The obtained results have been discussed in theoretical and empirical framework.

Keywords: individual identity, self-esteem, mental health, religious orientation, parental influence.

چکیده: هدف این تحقیق مطالعه هویت‌یابی فردی در دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه بود که طی آن عزت‌نفس، ارتباط با همسالان، گرایش مذهبی، سلامت روان و نفوذ والدین به عنوان همبسته‌های هویت فردی دانش‌آموزان مورد مطالعه قرار گرفته است. با توجه به ماهیت موضوع و اهداف آن، تحقیق حاضر به شیوه‌ی توصیفی-همبستگی اجرا شده است. جامعه‌ی آماری شامل کلیه‌ی دانش‌آموزان دبیرستان‌های دخترانه شهرستان اردبیل است. نمونه‌ی آماری شامل ۳۵۷ نفر از دانش‌آموزان دختر بود که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه‌های هویت‌یابی آدامز، جهت‌گیری مذهبی آلپورت، عزت‌نفس روزنبرگ، سلامت روانی گلدبرگ و پرسشنامه‌ی جمعیت‌شناختی محقق ساخته، جمع‌آوری شد. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از رگرسیون چندگانه‌ی استاندارد (همزمان) استفاده شد. نتایج نشان داد که از روی عزت‌نفس، ارتباط با همسالان، نفوذ والدین، میزان مذهبی بودن و سلامت روان دانش‌آموزان می‌توان هر یک از سطوح هویت‌یابی را به‌خوبی پیش‌بینی کرد. نتایج به‌دست آمده، در چهارچوب نظری و تجربی مورد بحث قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی: هویت‌یابی فردی، عزت‌نفس، سلامت روان، گرایش مذهبی، نفوذ والدین.

۱. نویسنده‌ی رابط: استادیار روان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی
1. Corresponding Author: Assistant Professor of Psychology
University of Mohaghegh Ardabili (hajloo53@yahoo.com)

۲. Ph.D student, Educational Psychology, University of Mohaghegh Ardabili

۳. M.A. of Psychology, Tabriz University

۲. دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه محقق اردبیلی

۳. عضو هیأت علمی دانشگاه تبریز

دریافت مقاله: ۹۱/۱/۵ - پذیرش مقاله: ۹۱/۲/۳۰

مقدمه

نوجوانی یک دوره‌ی انتقالی از وابستگی دوران کودکی به استقلال و مسئولیت‌پذیری دوران جوانی و بزرگسالی است. در این دوره، نوجوان با دو مسأله اساسی درگیر است: بازنگری و بازسازی ارتباط با والدین، بزرگسالان و جامعه، و بازشناسی و بازسازی خود به عنوان یک فرد مستقل. در همین مرحله انسجام جنبه‌های مختلف بدنی، جنسی و تصور از خویش به صورت هویت واحد شکل می‌گیرد و پاسخگویی به سوال اساسی «من کیستم؟» به تدریج در ذهن نوجوان تحقق می‌یابد (لطف آبادی، ۱۳۸۵).

در این مرحله علاوه بر مسأله رشد شخصیتی و اخلاقی یک نیاز اساسی دیگر، یعنی کسب دانش و مهارت‌های لازم برای اشتغال یا ادامه‌ی تحصیل، به عنوان یک نیاز مهم در تربیت نوجوان مطرح می‌شود. رشد هماهنگ نوجوان در تمام زمینه‌ها و شکل‌گیری هویت منسجم و مستقل، ضرورتی انکارناپذیر در تعلیم و تربیت این مرحله است. موفقیت‌های تحصیلی در طول سال‌های مدرسه و قبول شدن بعدی نوجوان در دانشگاه، معمولاً عامل مؤثری در شکل‌گیری هویت است. زیرا راه‌های زندگی آینده‌ی او را هموارتر می‌سازد و از نظر حرفه‌ای نیز اطمینان بیشتری برای او ایجاد می‌کند (رضوی، ۱۳۸۸).

نوجوان سعی دارد خودش را با این تغییرات وفق دهد. از این گذشته، وقتی که یکی از کارهای اساسی، رشد است، نوجوان در تلاش برای ایجاد یک هویت یا یک «تعریف منحصر به فرد از خود» است. اگر چه کار شکل‌گیری هویت در سراسر چرخه‌ی زندگی ادامه می‌یابد تغییرات در هویت، در طول دوره‌ی نوجوانی معمولاً بیشتر قابل ملاحظه است (آرچر، ۱۹۸۹).

اریکسون هویت را به عنوان پیشرفت مهم شخصیت و گامی مهم به سمت تبدیل شدن به بزرگسال ثمربخش و خوشحال، تشخیص داد و تعارض روان‌شناختی نوجوانی را هویت در برابر سر درگمی نقش نامید. نتایج موفقیت آمیز مراحل قبلی، زمینه را برای حل مثبت این تعارض آماده

می‌کنند (برک^۱، ۲۰۰۱). اریکسون یک تئوری رشد در طول عمر پیشنهاد کرده که شامل هشت مرحله است، هر مرحله با یک ناسازگاری مرکزی مشخص شده و افراد نیاز به برخورد کردن با ناسازگاری دارند (اریکسون^۲، ۱۹۶۸).

پس از اریکسون، مارسیا کارش را بر روی کارهای زمینه‌ای اریکسون درباره هویت و رشد روانی- اجتماعی پایه‌گذاری کرده است (مارسیا^۳، ۱۹۶۶). به اعتقاد مارسیا هویت از سازمانی درونی، خود جوش و پویا برخوردار است و از سائق‌ها، توانایی‌ها، باورها و تجارب گذشته‌ی فرد نشأت می‌گیرد. هویت، سازمان دادن یک خود درونی شامل ساخت خود، سیستم باورها، آرزوها، عقاید، مهارت‌ها و تاریخچه فردی است که در واقع نتیجه یک بحران است (هاشمی، ۱۳۸۳). مارسیا با یک مصاحبه‌ی نیمه‌سازمان یافته و توسعه‌یافته‌ای در تحقیق هویتی، چهار وضعیت هویتی- روانی را پیشنهاد کرده است که شامل هویت آشفته^۴، هویت زودشکل گرفته^۵، هویت به تعویق افتاده^۶ و هویت پیشرفته^۷ است (مارسیا، ۱۹۶۶).

اگر دوره‌ی نوجوانی بدون مشکل سپری شود، نوجوان به بزرگسال سالمی تبدیل خواهد شد و نقش بزرگسالی خود را خوب ایفا خواهد کرد، اما اگر در این گذر دشواری‌هایی به وجود آید، بهداشت روان نوجوان، از جاده‌ی اصلی منحرف و به بیراهه کشیده خواهد شد. برای تضمین بهداشت روانی، کسب هویت و استقلال، سالم‌ترین راه این است که روابط نوجوان با والدین، دائمی و صمیمی باشد. به اعتقاد فایرکلوس^۸ (۲۰۱۲) هویت در محیطی شکل می‌گیرد که فرد در آن واقع شده است و همین هویت شکل گرفته پاسخی به محیط سازنده‌ی آن است. نوجوانانی که

1. Berk
2. Erikson
3. Marcia
4. identity diffusion
5. identity foreclosure
6. identity moratorium
7. identity achievement
8. Faircloth

والدین خود را همیشه حاضر در صحنه می‌بینند و احساس می‌کنند که می‌توانند بر آنها متکی باشند، بهتر رشد می‌یابند و روان سالم‌تری نیز دارند (لطف آبادی، ۱۳۸۵).

نوجوانی سنی است که فرد باید به مفهوم روشنی از خود و عزت نفس دست یابد. عزت نفس در واقع همان ارزشی است که هر فرد برای خود قائل است و مفهوم خود و عزت نفس، نقش اساسی در سازگاری نوجوانان ایفا می‌کنند. نوجوان پس از طی این مرحله و دست‌یابی به عزت نفس مناسب، به تدریج به هویتی مستقل دست می‌یابد (غباری، حجازی، ۱۳۸۶). به واسطه‌ی نقش همین عزت نفس است که بوید، رینولد، تیلمن و مارتین^۱ (۲۰۱۱) وزن بدن دختران نوجوان را متأثر از هویت آنها می‌دانند.

احساس «هویت» به عنوان مهم‌ترین رویداد مرحله‌ی نوجوانی متأثر از همانندسازی با والدین است. نحوه‌ی رفتار والدین با عنایت به نگرشی که در فرزندان خود به‌وجود می‌آورند، در «هویت» آنها تأثیر خواهد داشت (موسوی پور، ۱۳۷۵).

ریچ و شاختر^۲ (۲۰۱۱) نیز بر نقش مهم مدرسه و معلم در هویت‌یابی دختران دبیرستانی تأکید می‌کنند. در دوره‌ی نوجوانی، افراد به رفاقت و دوستی با همسالان خود، اهمیت زیادی می‌دهند و از مصاحبت با آنها، حتی در بعضی موارد از مصاحبت با خانواده هم بیشتر لذت می‌برند (حسینی، ۱۳۸۵). مواجهه‌ی نوجوانان با عقاید و ارزش‌ها، از طریق تعامل با انواع همسالان گسترش می‌یابد. دوستان صمیمی با حمایت کردن عاطفی از همدیگر و تأمین الگوهای نقش تشکیل هویت، در کاوش گزینه‌ها به یکدیگر کمک می‌کنند (برک، ۲۰۰۱). از طرف دیگر تحول و پیشرفت هویت باعث کم شدن فشار همسالان در نوجوانان می‌شود (دوماس، الیس و ولف، ۲۰۱۲).

دین نیز از جمله عوامل مرتبط با هویت‌یابی دانش‌آموزان مطرح شده است. مارکستروم^۴ (۲۰۰۲) معتقد است که دین به عنوان یک عامل اجتماعی در شکل‌گیری هویت در دوره‌ی نوجوانی تأثیر

1. Boyd, Reynolds, Tillman & Martin
2. Rich & Schachter
3. Dumas, Ellis & Wolfe
4. Markstrom

قابل توجهی دارد، چرا که دین پاسخگوی بسیاری از سوالات نوجوانان است و بدین ترتیب نوجوانان به آسانی می‌توانند خود را دریابند و هویتی پایدار و منسجم برای خود بنا کنند. با توجه به مطالب فوق، می‌توان پیش‌بینی کرد که عزت نفس، ارتباط با همسالان، نفوذ والدین، میزان مذهبی بودن و سلامت روان رابطه‌ی جدی با هویت‌یابی فردی دانش‌آموزان خواهند داشت. با بررسی عوامل مؤثر بر هویت‌یابی فردی دانش‌آموزان، می‌توان اولویت‌ها و نیازهای آنها را شناخت و رهنمودهای آموزشی را با این شناخت‌ها سازش داد و به دست‌یابی به تعریفی منسجم از خود، در دانش‌آموزان کمک کرد. بنابراین، مسأله‌ی اصلی پژوهش حاضر این است که عواملی مثل عزت نفس، ارتباط با همسالان، نفوذ والدین، میزان مذهبی بودن و سلامت روان تا چه اندازه می‌توانند هویت‌یابی فردی دانش‌آموزان دختر را پیش‌بینی کنند؟

روش

روش تحقیق حاضر توصیفی و از نوع همبستگی بود.

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری: جامعه‌ی آماری در این پژوهش کلیه دانش‌آموزان دختر مقطع دبیرستان شهرستان اردبیل بود (۱۶۰۰۰ نفر N). با استفاده از جدول مورگان و با $a=0/05$ نمونه آماری به تعداد ۳۵۷ نفر از دانش‌آموزان دختر دبیرستانی، به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. با استفاده از این روش، ابتدا اداره‌ی آموزش و پرورش شهرستان اردبیل به دو خوشه‌ی اصلی (دو ناحیه‌ی آموزش و پرورش) تقسیم شد. در مرحله دوم، از هر خوشه دو مدرسه‌ی دخترانه (جمعاً چهار مدرسه) در مقطع دبیرستان انتخاب شد. در مرحله بعدی، از هر مدرسه ۳ پایه‌ی اول، دوم و سوم دبیرستان، بدون در نظر گرفتن رشته‌ی تحصیلی (از هر پایه یک کلاس)، به صورت تصادفی انتخاب شدند و همه‌ی دانش‌آموزان کلاس‌های منتخب مورد مطالعه قرار گرفتند.

پرسشنامه‌ی OMEIS^۱: نسخه‌ی ۶۴ آیتمی OMEIS براساس نظریه‌ی اریکسون، به دست بنیون و آدامز (به نقل از امیری، مؤمنی و افشار، ۱۳۸۵) تهیه شده است. این پرسشنامه، شکل‌گیری هویت را براساس جنبه‌های ایدئولوژیکی و شخصی، اندازه می‌گیرد. این پرسشنامه شامل ۴ خرده‌مقیاس هویت آشفته، هویت زودشکل گرفته، هویت به تعویق افتاده، و هویت پیشرفته است. در این پرسشنامه هرکدام از سوالات بر روی یک مقیاس شش‌گزینه‌ای از کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۶) ارزیابی می‌شود. دامنه سنی مطلوب برای استفاده از این پرسشنامه، ۱۵ الی ۳۰ سالگی است. متوسط آلفای کرونباخ این پرسشنامه در ۲۰ مطالعه ۰/۶۶ و دامنه‌ی تغییرات آن بین ۰/۳۰ تا ۰/۹۰ برآورد شده است. شواهد معتبری هم برای روایی این آزمون اعم از روایی ملاکی، محتوایی و سازه یافت شده است (گرالد، ۱۹۹۸). هم چنین روایی این مقیاس و سایر خرده‌مقیاس‌های آن در پژوهش امیدیان و شکرکن (۱۳۸۰)، به نقل از امیری و همکاران، (۱۳۸۵) تأیید شده است. در این پژوهش نیز پایایی درونی مؤلفه‌های پرسشنامه‌ی مذکور از طریق آلفای کرونباخ به این ترتیب به دست آمد: هویت آشفته ۰/۸۹، هویت شکل گرفته ۰/۸۰، هویت به تعویق افتاده ۰/۷۵، هویت پیشرفته ۰/۷۱. از آیتم‌های مربوط به «ارتباط با همسالان» و «نفوذ والدین» این پرسشنامه، برای سنجش میزان ارتباط دانش‌آموزان دختر با همسالان خود و میزان نفوذ والدین آنها در زندگی‌شان، استفاده شد.

پرسشنامه‌ی جهت‌گیری مذهبی آلپورت^۲: این پرسشنامه دارای ۲۰ گویه است که به دست آلپورت تهیه شده است. پایایی این پرسشنامه به دست جان‌بزرگی با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۷۴ و به دست مختاری و همکاران ۰/۷۱ برآورد شده است (به نقل از چاوشی، طالبیان، طرخورانی، صدقی‌جلالی، فتحی‌آشتیانی و آزرمی، ۱۳۸۷). در این پژوهش نیز پایایی درونی پرسشنامه‌ی مذکور از طریق آلفای کرونباخ ۰/۷۴ به دست آمد.

1. Objective Measure of Ego-Identity Status
2. extrinsic-intrinsic religious orientation

آزمون عزت نفس روزنبرگ: این آزمون که به‌دست روزنبرگ (۱۹۵۵)؛ به نقل از غباری و حجازی، (۱۳۸۶) براساس مقیاس گاتمن ساخته شده است، شامل ۱۰ عبارت کلی به صورت تک بعدی است. وایلی (۱۹۸۹)؛ به نقل از غباری و حجازی، (۱۳۸۶) در مرور خود بر پژوهش‌های انجام شده با این مقیاس دریافت که در هفت پژوهش متفاوت، مقدار آلفا از ۰/۷۲ تا ۰/۸۷ به دست آمده است. در زمینه‌ی روایی نیز باید گفت که همبستگی این مقیاس با سایر مقیاس‌های عزت نفس از ۰/۴۵ تا ۰/۶۶ گزارش شده است (غباری و حجازی، ۱۳۸۶). در این پژوهش نیز پایایی درونی پرسشنامه‌ی مذکور از طریق آلفای کرونباخ ۰/۷۲ محاسبه گردید.

آزمون سلامت روانی گلدبرگ (GHQ^۱): این پرسشنامه شامل ۲۸ سوال است که اولین بار به‌دست گلدبرگ تنظیم گردید. برای نمره‌گذاری پرسشنامه، به گزینه‌های الف تا د، به ترتیب نمره صفر، یک، دو و سه تعلق می‌گیرد. (چاوشی و همکاران، ۱۳۸۷). در یک بررسی، گلدبرگ و ویلیامز (۱۹۸۸)؛ به نقل از حق شناس، چمنی و فیروزآبادی، (۱۳۸۵)، پایایی تصنیفی این پرسشنامه را ۰/۹۵ گزارش کردند. در این پژوهش نیز پایایی درونی مؤلفه‌های پرسشنامه‌ی مذکور از طریق آلفای کرونباخ به این ترتیب به‌دست آمد: سلامت جسمانی ۰/۷۳، اضطراب ۰/۷۷، نارسانا کنش وری اجتماعی ۰/۸۵، افسردگی ۰/۸۶.

روش اجرا: پس از اینکه نمونه مورد نظر به روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شد، پرسشنامه‌های تحقیق را پرسشگران در اختیار پاسخگویان قرار دادند. پس از تکمیل و جمع‌آوری پرسشنامه‌ها، داده‌های گردآوری شده با استفاده از رگرسیون چندگانه استاندارد (همزمان) در محیط SPSS_19 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج

از کل نمونه مورد مطالعه ۳۱ درصد در پایه اول دبیرستان، ۳۷/۲ درصد در پایه دوم دبیرستان و

1 . General Health Questionnaire

۳۱/۸ درصد در پایه‌ی سوم دبیرستان مشغول به تحصیل بودند. میانگین سنی نمونه‌ی مورد مطالعه ۱۵/۵۹ و انحراف معیار آن ۱/۶۸ سال بود. میانگین، انحراف معیار و شاخص‌های توزیع نرمال متغیرهای مورد مطالعه در جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱. میانگین، انحراف معیار، کشیدگی و چولگی متغیرهای مورد مطالعه (n=۳۵۷)

متغیر	M	SD	کشیدگی	چولگی
عزت نفس	۳/۲۸	۰/۴۵	۰/۴۴	۰/۵۷
ارتباط با همسالان	۱۶/۵۹	۳/۶۶	۰/۳۱	۰/۴۹
نفوذ والدین	۵۳/۲۸	۱۲/۲۰	-۰/۱۴	-۰/۲۷
میزان مذهبی بودن	۶۷/۴۳	۷/۳۷	۰/۷۸	۰/۶۹
سلامت روان	۵۳/۳۵	۱۳/۱۲	۰/۱۳	۰/۴۲
هویت آشفته	۴۵/۵۱	۱۰/۰۶	۰/۴۴	۰/۱۵
هویت زود شکل گرفته	۴۴/۱۳	۱۱/۶۹	۰/۰۷	-۰/۰۳
هویت به تعویق افتاده	۵۲/۳۳	۸/۴۱	۰/۳۹	۰/۱۸
هویت پیشرفته	۵۵/۷۴	۱۲/۲۰	۰/۴۵	۰/۳۱

با توجه به مقادیر چولگی و کشیدگی جدول ۱، می‌توان گفت که توزیع تک متغیره نمرات نمونه‌ی مورد مطالعه در هر یک از متغیرهای تحقیق از شکل نرمال برخوردار است. همچنین، مقادیر میانگین نشان می‌دهد که دانش‌آموزان دختر نمرات بالایی را از لحاظ هویت به تعویق افتاده و هویت پیشرفته به دست آورده‌اند.

Vol.1, No.2/21-38

دوره‌ی ۱، شماره‌ی ۲/۳۸-۲۱

جدول ۲. خلاصه‌ی نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه‌ی انواع هویت به طرف عزت نفس، ارتباط با همسالان، نفوذ والدین، گرایش مذهبی و سلامت روانی دانش‌آموزان (n=۳۵۷)

R ²	R	F	t	Beta	SE	B	
۰/۴۹	۰/۷۰	۱۱/۴۲					مدل کلی
			۱/۹۴*	۰/۲۲	۰/۱۲	-۰/۲۰	عزت نفس
			۲/۸۳**	-۰/۲۹	۰/۲۳	-۰/۳۱	ارتباط با همسالان
			۵/۶۵**	۰/۴۶	۰/۱۷	۰/۵۲	نفوذ والدین
			۲/۳۷**	-۰/۳۰	۰/۲۱	-۰/۲۷	گرایش مذهبی
			۶/۹۱**	۰/۶۴	۰/۲۹	۰/۵۶	سلامت روان
۰/۳۷	۰/۶۱	۱۰/۳۳					مدل کلی
			۲/۱۳*	۰/۲۵	۰/۱۶	۰/۲۴	عزت نفس
			۱/۸۵*	۰/۲۱	۰/۱۰	۰/۱۹**	ارتباط با همسالان
			۸/۹۸**	۰/۸۶	۰/۱۴	۰/۶۴**	نفوذ والدین
			۰/۵۱	۰/۰۵	۰/۲۸	۰/۰۵	گرایش مذهبی
			۱/۰۶	۰/۱۱	۰/۱۵	۰/۱۱	سلامت روان
۰/۳۰	۰/۵۵	۶/۷۱					مدل کلی
			۱/۹۰*	۰/۲۱	۰/۰۸	-۰/۲۰	عزت نفس
			۱/۹۸*	۰/۲۲	۰/۱۵	-۰/۲۰	ارتباط با همسالان
			۳/۵۳**	۰/۳۴	۰/۲۲	۰/۳۶	نفوذ والدین
			۰/۷۹	۰/۰۹	۰/۱۳	۰/۰۹	گرایش مذهبی
			۲/۳۹**	۰/۲۹	۰/۲۶	۰/۲۷	سلامت روان

هویت آئینه

هویت زود شکل

هویت به‌دفعه

همبسته‌های هویت‌یابی فردی در دانش‌آموزان دختر ...

۰/۳۵	۰/۵۹	۷/۲۵	۱/۸۴*	۰/۱۹	۰/۱۴	۰/۱۸	مدل کلی
			۹/۰۴**	۰/۵۹	۰/۲۷	۰/۶۵	عزت نفس
			۳/۷۷**	۰/۳۸	۰/۱۹	۰/۳۹	ارتباط با همسالان
			۱/۷۹*	۰/۱۷	۰/۱۰	۰/۱۶	نفوذ والدین
			۱/۷۴*	۰/۱۵	۰/۱۷	۰/۱۵	گرایش مذهبی
			۱/۸۴*	۰/۱۹	۰/۱۴	۰/۱۸	سلامت روان

* $P < 0.01$ و ** $P < 0.001$

برای تعیین مقدار واریانس تبیین شده انواع هویت از طریق متغیرهای عزت نفس، ارتباط با همسالان، نفوذ والدین، گرایش مذهبی و سلامت روانی دانش‌آموزان دختر، از رگرسیون‌های چندگانه‌ی استاندارد (روش ورود هم‌زمان) استفاده شد (جدول ۲). قبل از اجرای تحلیل رگرسیون، یک تحلیل اولیه برای بررسی مفروضه‌های رگرسیون چندگانه اجرا شد و نتایج، حاکی از برقراری نرمال بودن چندگانه نمرات متغیرها بود (باقیمانده‌ها به‌طور نرمال در اطراف نمرات پیش‌بینی شده هر یک از انواع هویت توزیع شده بودند)، روابط بین متغیرها خطی بود (باقیمانده‌ها یک رابطه‌ی خطی مستقیم با نمرات پیش‌بینی شده انواع هویت داشتند)، هم خطی چندگانه وجود نداشت (همبستگی بین متغیرهای مستقل یعنی عزت نفس، ارتباط با همسالان، نفوذ والدین، گرایش مذهبی و سلامت روانی دانش‌آموزان کمتر از ۰/۷ بود)، یکسانی پراکندگی وجود داشت (واریانس باقیمانده‌ها در اطراف نمرات پیش‌بینی شده برای همه نمرات پیش‌بینی شده یکسان بود). در متغیر گرایش مذهبی دو نمره پرت و در متغیر ارتباط با همسالان یک نمره پرت وجود داشت که با میانگین نمرات جایگزین شدند.

نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه هویت آشفته به طرف متغیرهای پیش‌بین نشان داد، که ۴۹ درصد واریانس کل هویت آشفته از طریق متغیرهای وارد شده در مدل، تبیین گردیده است.

تحلیل ANOVA روی همین مدل حاکی از معنی داری مدل کلی بود: $P < 0/01$ و $F(5, 351) = 11/42$ و $F(5)$. برای اطلاع از سهم هر یک از متغیرهای پیش بین در تبیین واریانس متغیر هویت آشفته، ضرایب Beta بررسی شد. نتایج نشان داد که سهم یگانه هر پنج متغیر وارد شده در مدل، از نظر آماری معنی دار است.

در این میان سلامت روان و نفوذ والدین به ترتیب بیشترین سهم را در تبیین واریانس هویت آشفته به خود اختصاص داده بودند (جدول ۲).

نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه هویت زود شکل گرفته به طرف متغیرهای پیش بین نشان داد، که ۳۷ درصد واریانس کل هویت زود شکل گرفته از طریق متغیرهای وارد شده در مدل، تبیین گردیده است. تحلیل ANOVA روی همین مدل نیز حاکی از معنی داری مدل کلی بود: $P < 0/01$ و $F(5, 351) = 10/33$. برای اطلاع از سهم هر یک از متغیرهای پیش بین در تبیین واریانس هویت زود شکل گرفته، ضرایب Beta بررسی شد. نتایج نشان داد که سهم یگانه عزت نفس، ارتباط با همسالان و نفوذ والدین، از نظر آماری معنی دار است. در این میان نفوذ والدین بیشترین سهم را در تبیین واریانس هویت زود شکل گرفته، به خود اختصاص داده بود (جدول ۲).

نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه هویت به تعویق افتاده به طرف متغیرهای پیش بین نشان داد، که ۳۰ درصد واریانس کل هویت به تعویق افتاده از طریق متغیرهای وارد شده در مدل، تبیین گردیده است. تحلیل ANOVA روی همین مدل نیز حاکی از معنی داری مدل کلی بود: $P < 0/01$ و $F(5, 351) = 6/71$. برای اطلاع از سهم هر یک از متغیرهای پیش بین در تبیین واریانس هویت به تعویق افتاده، ضرایب Beta بررسی شد. نتایج نشان داد که سهم یگانه عزت نفس، ارتباط با همسالان، نفوذ والدین و سلامت روان دانش آموزان از نظر آماری معنی دار است. در این میان نفوذ

والدین و سلامت روان به ترتیب بیشترین سهم را در تبیین واریانس هویت به تعویق افتاده به خود اختصاص داده بودند (جدول ۲).

نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه هویت پیشرفته به طرف متغیرهای پیش‌بین نشان داد، که ۳۵ درصد واریانس کل هویت پیشرفته از طریق متغیرهای وارد شده در مدل، تبیین گردیده است. تحلیل ANOVA روی همین مدل نیز حاکی از معنی‌داری مدل کلی بود: $P < 0/01$ و $F(5, 351) = 7/25$. برای اطلاع از سهم هر یک از متغیرهای پیش‌بین در تبیین واریانس هویت پیشرفته، ضرایب β بررسی شد. نتایج نشان داد که سهم یگانه هر یک از پنج متغیر وارد شده در مدل، از نظر آماری معنی‌دار است. در این میان عزت نفس و ارتباط با همسالان به ترتیب بیشترین سهم را در تبیین واریانس هویت پیشرفته به خود اختصاص داده بودند (جدول ۲).

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تعیین کیفیت رابطه عزت نفس، ارتباط با همسالان، نفوذ والدین، گرایش مذهبی و سلامت روانی با هویت‌یابی فردی دانش‌آموزان دبیرستانی بود. نتایج پژوهش حاکی از آن است که عزت نفس دانش‌آموزان به‌خوبی می‌تواند انواع هویت را پیش‌بینی کند. به‌طوری‌که، عزت نفس دارای رابطه مثبت با هویت پیشرفته، و رابطه منفی با هویت‌های آشفته و به تعویق افتاده است. این یافته با یافته‌ی رحیمی‌نژاد (۱۳۷۹) هم‌سو است. وی در پژوهش خود به این نتیجه رسید که بالاترین سطح عزت نفس به گروه هویت پیشرفته تعلق دارد. هم‌چنین این یافته با نتایج پژوهش جواداراوغلو (۲۰۰۱) نیز هماهنگی دارد. وی در پژوهش خود به این نتیجه رسید که نوجوانان دارای هویت آشفته، عزت نفس پایینی نسبت به سطوح دیگر هویت‌یابی دارند.

از دیگر یافته‌های پژوهش حاضر این بود که بین ارتباط با همسالان و هویت‌های پیشرفته و زود شکل‌گرفته رابطه‌ی مثبت و بین ارتباط با همسالان و هویت‌های آشفته و به تعویق افتاده، رابطه‌ی

منفی وجود دارد. این امر نشان دهنده‌ی آن است که ارتباط با همسالان در شکل‌گیری هویت نوجوانان تأثیر به‌سزایی دارد و هرچه میزان ارتباط با همسالان بیشتر می‌شود به سمت هویت پیشرفته سوق می‌یابد و همسالان از طریق تعامل و انتقال عقاید و ارزش‌های خود به یکدیگر، در شکل‌گیری هویت یکدیگر نقش دارند. به عبارتی، با کاهش ارتباط همسالان، آشفستگی در هویت نوجوانان بیشتر می‌شود (برک، ۲۰۰۱).

از جمله یافته‌های این پژوهش تأثیر نفوذ والدین بر هویت‌یابی نوجوان است این یافته با نتایج تحقیق آدامز و جونز (۱۹۸۳) هماهنگ است. بر اساس نتایج وی جوانانی که در مراحل بالای هویتی قرار داشتند گزارش کردند که والدینشان استقلال را تشویق و کنترل کمی را اعمال می‌کردند. جوانان با هویت آشفته معتقد بودند که والدین آن‌ها شیوه‌ی فرزند پروری غیر ثابتی را اعمال می‌کردند. جوانان با هویت دنباله‌رو نشان دادند که والدینشان کنترل زیادی بر آن‌ها اعمال می‌کردند و استقلال را کمتر تشویق می‌کردند (برجعی، ۱۳۸۰). این یافته‌ها نشانگر آن است که در زندگی نوجوانان، خانواده و گروه هم‌تایان، دو تکیه‌گاه مهم به حساب می‌آیند، نوجوانانی که با خانواده روابط محکم و استوار دارند در پیدا کردن دوستان و پیوستن به گروه هم‌تایان نیز موفقیت بیشتری کسب می‌کنند (گنجی، ۱۳۸۶). از این گذشته، صرف نظر از نوع کنترل یا نفوذ خانواده، در همه حال توجیه علت رفتار یا مداخله از سوی خانواده موجب رشد بهتر نوجوان می‌شود (احدی و محسنی، ۱۳۸۶).

یافته‌ی دیگر پژوهش این بود که بین هویت‌یابی فردی و میزان مذهبی بودن رابطه‌ای مثبت وجود دارد. این یافته با نتایج تحقیق امیری و همکاران (۱۳۸۵) هماهنگی دارد. امیری و همکارانش به این نتیجه رسیدند که نوجوانان مذهبی‌تر، هویتی کسب شده را ظاهر می‌سازند. هم‌چنین با یافته‌ی پولوتونو (۱۹۹۶؛ به نقل از پرهیزکار، ۱۳۸۱) که نشان داد بین رشد یافتگی مذهبی و عزت

نفس از یکسو و بین شکل‌گیری هویت از سوی دیگر رابطه‌ی مثبت وجود دارد، هم سواست. این نتیجه با یافته‌های مارکستروم (۲۰۰۲) همسو است. آنها در پژوهش خود به این نتیجه رسیده‌اند که بین رفتن به کلیسا و هویت‌یافتگی همبستگی معنی‌داری وجود دارد. به طور کلی یافته‌های پژوهش‌ها نشان‌دهنده‌ی نقش و اهمیت مذهب و دین در زندگی و شکل‌گیری هویت نوجوان است یعنی مذهب به زندگی معنا می‌بخشد و به نوعی، به سؤالات نوجوان پاسخ می‌دهد. دین چارچوب زندگی افراد را مشخص کرده و برای تمامی برنامه‌های زندگی انسان الگوی مشخص و متمایزی ارائه می‌دهد که افراد بر مبنای آن می‌توانند زندگی سالم‌تری داشته و این سبک زندگی بر کسب هویت آن‌ها تأثیر گذاشته و کسب هویت نیز در سبک زندگی انسان نقش مهمی دارد.

یافته‌ی بعدی این پژوهش این بود که هویت‌یابی فردی در سطح آشفته و پیشرفته با سلامت روان همبستگی معنی‌دار دارد، یعنی هر چه نوجوان از سلامت روان بیشتری برخوردار باشد به هویت پیشرفته دست می‌یابد در غیر این صورت آشفستگی در هویت وی بیشتر خواهد بود. این یافته با نتایج پژوهش مظفری (۱۳۸۷) مبنی بر این که بین هویت آشفته و سلامت روانی، رابطه معنی‌دار وجود دارد، هم سواست. فینزی، بیلو و گولوبچیک (۲۰۱۱) نیز به این نتیجه رسیدند که هویت آشفته یک پیش‌بینی‌کننده قوی برای رفتارهای خصمانه و احساس گناه است. هم چنین با یافته‌های رحیمی‌نژاد (۱۳۷۹) مبنی بر این که گروه دارای هویت پیشرفته از بالاترین سطح سلامت و بهداشت روان و گروه آشفته از پایین‌ترین سطح سلامت و بهداشت روانی برخوردار است، هم سواست. این یافته‌ها نشان می‌دهد که با کاهش سلامت روانی، هویت نوجوان به سوی هویت آشفته سوق پیدا می‌کند و با افزایش سلامت روان، دارای هویت پیشرفته‌تری می‌شود.

از دیگر یافته‌های پژوهش این بود که بین هویت‌یابی فردی با توجه به تحصیلات پدر و مادر رابطه‌ای وجود ندارد. این یافته با نتایج پژوهش تورک‌بی، ازکان، و ازون (۲۰۰۵) که بیان می‌کند

بین تحصیلات والدین با هویت یابی نوجوانان همبستگی وجود ندارد، هم سو است. با توجه به یافته‌ی دیگر پژوهش حاضر، بین هویت‌یابی فردی دانش‌آموزان دختر با توجه به اشتغال مادران در سطوح مختلف هویت، هیچ تفاوتی وجود ندارد. این یافته با نتایج حاصله از پژوهش جانستون، اسوانسون و لودنز (۲۰۰۸) که بیان می‌کند شاغل و غیرشاغل بودن مادر تاثیری بر نوع هویت فرزند ندارد، هم سو است.

عدم توانایی در کنترل همه‌ی متغیرهای مؤثر در حوزه‌ی تحقیق و عدم کنترل متغیرهایی که احتمالاً هویت یابی نوجوانان را تحت تأثیر قرار می‌دهند، از محدودیت‌های اساسی این تحقیق بود. همچنین، علیرغم محدود کردن حوزه‌ی تحقیق به منطقه‌ی آموزشی و شهری تقریباً یکسان، نمی‌توان شرایط اجتماعی-اقتصادی خانواده‌ی دانش‌آموزان را کاملاً یکسان فرض کرد. چون گروه نمونه‌ی پژوهش منحصراً از دو ناحیه‌ی آموزش و پرورش اردبیل، که شامل چهار مدرسه است، انتخاب شده و کمبودها و موانع موجود مانع اجرای پژوهش در مقیاس وسیع‌تر بوده است، نتایج پژوهش را به آسانی نمی‌توان به کل جامعه‌ی مورد مطالعه تعمیم داد.

به دلیل اهمیت مسأله هویت‌یابی نوجوانان پیشنهاد می‌گردد در پژوهش‌های آینده این موضوع با متغیرهای روان‌شناختی مربوط به خود نوجوانان از جمله سن نوجوانان، هوش و نوع خود پنداره مورد بررسی قرار گیرد. همچنین پیشنهاد می‌شود با توجه به مبانی نظری تحقیق، متغیرهای تعدیل‌کننده‌ی مناسبی چون طبقه‌ی اجتماعی-اقتصادی، دوره‌های سنی متمایز و نظایر آن در تحقیقات وارد و مورد مطالعه و مقایسه قرار گیرند.

با توجه به نتایج به‌دست آمده در این تحقیق، پیشنهاد می‌شود سازمان‌های ذی صلاح، همچون آموزش و پرورش، در امر نهادینه کردن امر خودشناسی و تقویت عزت نفس و مهارت‌های اساسی زندگی از جمله چگونگی پایبندی به خانواده و والدین و چگونگی برقراری ارتباط مناسب با

همسالان، به طور موثر و قوی حضور داشته و برنامه‌ریزی منظم و مدون داشته باشند. هم‌چنین پیشنهاد می‌شود برنامه‌های درسی هم‌سو با این نیازها باشند، تا برای شناخت هرچه بیشتر توانمندی‌های فردی و تحکیم هویت شخصی در راستای تعیین شغل و سبک زندگی مناسب، به نوجوانان یاری رسانند. به اطرافیان نوجوان، به ویژه اولیاء و مربیان، پیشنهاد می‌شود تا به نوجوان از منظر جدیدی به عنوان «مشاور» نگاه کنند و در عمل نیز آنچه که لازمه‌ی تحقق این رویکرد است، مراعات گردد تا این نسل عملاً احساس منزلت و شخصیت بیشتری نموده و در نهایت احساس هویتی ارزشمند و با افتخار نماید.

منابع

- احدی، حسن و محسنی، نیک‌چهر (۱۳۸۶). روانشناسی رشد: مفاهیم بنیادی در روانشناسی نوجوانی و جوانی. چاپ دوازدهم. تهران: پردیس.
- امیری، شعله؛ مؤمنی، فرشته و افشار، افروز (۱۳۸۵). مقایسه حرمت خود و هویت در دختران نوجوان با دو سطح گرایش مذهبی در شهر اصفهان. محل نگهداری: مرکز اطلاعات و آمار شورای فرهنگی اجتماعی زنان. همایش نقش زن در توسعه علوم، فرهنگ و تمدن اسلامی.
- برجلی، احمد (۱۳۸۰). تحول شخصیت در نوجوانان. تهران: وراي دانش.
- برک، لورا، ای (۲۰۰۱). روانشناسی رشد: از نوجوانی تا پایان زندگی. ترجمه‌ی یحیی سیدمحمدی (۱۳۸۳). چاپ دوم. تهران: ارسباران.
- پرهیزکار، آذردخت (۱۳۸۱). مقایسه‌ی کیفیت رابطه‌ی ولی-فرزندی در دانش‌آموزان دارای بحران هویت و فاقد بحران هویت دبیرستان‌های دخترانه‌ی شهرستان کازرون سال تحصیلی ۸۱-۸۰. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم.
- چاوشی‌آقایی، اکبر؛ طالبیان، داود؛ طرخورانی، حمید؛ صدقی‌جلالی، هما؛ فتحی‌آشتیانی، علی و آزرمی، هاله (۱۳۸۷). بررسی رابطه‌ی نماز با جهت‌گیری مذهبی و سلامت روان. مجله علوم رفتاری، ۲(۲)، ۱۵۶-۱۴۹.
- حسینی، اکبر (۱۳۸۵). نوجوان امروز: شناخت و تربیت. چاپ سوم. تهران: موسسه فرهنگی منادی تربیت.

حق‌شناس، حسن؛ چمنی، امیررضا و فیروزآبادی، علی (۱۳۸۵). مقایسه‌ی ویژگی‌های شخصیتی و سلامت روان دانش‌آموزان دبیرستان‌های تیزهوشان و دبیرستان‌های عادی. فصلنامه‌ی اصول بهداشت روانی، ۳۰(۲۹)، ۵۷-۶۶.

رحیمی‌نژاد، عباس (۱۳۷۹). بررسی تحول هویت و رابطه‌ی آن با حرمت خود و حالت اضطراب در دانشجویان دوره کارشناسی. رساله‌ی دکترای، دانشگاه تربیت مدرس.

رضوی، اقدس سادات (۱۳۸۸). نوجوانی و هویت یابی. مشاور مدرسه، ۱، ۱۶-۲۰.

غباری بناب، باقر و حجازی، مسعود (۱۳۸۶). رابطه‌ی جرأت‌ورزی و عزت نفس با پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان تیزهوش و عادی. پژوهش در حیطه‌ی کودکان استثنایی، ۷(۳)، ۳۱۶-۲۹۹.

گنجی، حمزه (۱۳۸۶). ارزشیابی شخصیت، (ویرایش دوم). تهران: ساوالان.

لطف‌آبادی، حسین (۱۳۸۵). روان‌شناسی رشد ۲: نوجوانی، جوانی و بزرگسالی. چاپ هشتم. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

مظفری، نظیر (۱۳۸۷). بررسی رابطه‌ی پایگاه‌های هویت و مسند مهارت‌گذاری با سلامت روانی دانش‌آموزان مقطع متوسطه. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه شهیدبهشتی.

موسوی پور، سعید (۱۳۷۵). بررسی رابطه‌ی بین شناخت خویش‌شن والدین فرهنگی و غیرفرهنگی با هویت یابی فرزندان‌ها در شهر اراک. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم تهران.

هاشمی، لادن (۱۳۸۳). بررسی تحولات ابعاد وضعیت هویت نوجوانان و جوانان ۱۲-۲۴ سال ایرانی از دیدگاه مارسیا. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.

Adams, G.R., & Jones, R.M. (1983). Female adolescents' identity development: Age comparisons and perceived child rearing experiences. *Developmental Psychology*, 19, 249-256.

Archer, S.L. (1989). The status of identity: reflections on the need for intervention. *Journal of Adolescence*, 12(2), 345-59.

Boyd, E. M., Reynolds, J. R., Tillman, K. H., & Martin, P. Y. (2011). Adolescent girls' race/ethnic status, identities, and drive for thinness. *Social Science Research*, 40(2), 667-684.

Cuhadaroglu, F. (2001). Identity status and self-image among Turkish adolescents. *Program and Abstracts of the Promised Childhood Congress*. Turkish.

Dumas, T. M., Ellis, W. E., & Wolfe, D. A. (2012). Identity development as a buffer of adolescent risk behaviors in the context of peer group pressure and control. *Journal of Adolescence*, In Press, Corrected Proof, Available online <http://www.sciencedirect.com>.

Erikson, E. H. (1968). *Identity: Youth and Crisis*. New York: Norton.

- Faircloth, B. S. (2012). "Wearing a mask" vs. connecting identity with learning. *Contemporary Educational Psychology, In Press*, Corrected Proof, Available online <http://www.sciencedirect.com>.
- Finzi, D. R., Bilu, R., & Golubchik, P. (2011). Aggression and conduct disorder in former Soviet Union immigrant adolescents: The role of parenting style and ego identity. *Children and Youth Services Review*, 33(6), 918-926.
- Gerald, R., Adams (1998). *Objective Measure of Ego Identity Status*. A Reference Manual. College of Social and Applied Human Sciences. 519-824.
- Johnston, D.D., Swanson, D.H, and Luidens, D. (2008). Mother's work history in the construction of adult daughter's worker-mother discursive strategies. *Sociological Focus*, 41 (2), 159-176.
- Marcia, J. E. (1966). Development and validation of ego identity status. *Journal of Personality and Social Psychology*, 3, 551-558.
- Markstrom, C. A. (2002). Religious involvement and adolescent psychosocial development. *Journal of Adolescence*, 22(2), 205-221.
- Rich, Y., & Schachter, E. P. (2011). High school identity climate and student identity development. *Contemporary Educational Psychology, In Press*, Corrected Proof, Available online <http://www.sciencedirect.com>.
- Türkbay, T., Özcan, C., Doruk, A., & Uzun, Ö. (2005). Consequences of Identity Confusion on Adolescents' Psychiatric Symptoms and Self-Esteem. *Psychiatry in Türkiye*